

بررسی عوامل و متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی

میترا غفوریان - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، ایران.
الهام حصاری^۱ - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

چکیده

مفهوم رضایتمندی بر پایه دامنه گسترده‌ای از انتظارات و تمایلات (به دلیل رفع نیازهای پایه و متعالی انسان) در تجربه واقعی از زندگی اشاره دارد. رضایتمندی از محیط مسکونی، در واقع چگونگی ارزیابی مردم از محیط زندگی‌شان است و عوامل متعددی در افزایش یا کاهش آن تأثیرگذارند. به نظر می‌رسد با بررسی پژوهش‌های انجام شده در خصوص رضایتمندی ساکنان و جمع‌بندی استنتاجی آنها می‌توان به چارچوبی مدون و الگویی جامع برای تبیین عوامل مؤثر بر این کیفیت دست یافت. مقاله حاضر به جست‌وجوی چارچوبی نظری برای تشخیص و ارزیابی عوامل و متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر رضایتمندی و تدوین مدل نظری برای تحلیل رابطه هر یک از متغیرها با میزان رضایتمندی ساکنان به روش مطالعه فراتحلیل و مقایسه نتایج پژوهش‌های قبلی ساختار می‌یابد. بر این اساس، از یک سو به تعریف رضایتمندی از محیط مسکونی بر پایه دیدگاه صاحب‌نظران در این زمینه توجه دارد و از سوی دیگر با جست‌وجو در مطالعات قبلی، به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد رضایتمندی ساکنان پرداخته و مدل پیشنهادی را ارائه می‌نماید. نتایج تحقیق سه عامل فردی، اجتماعی و کالبدی را شناسایی می‌کند. متغیرهای فردی به صورت مستقل به عنوان مؤثرترین عامل بر سطوح متفاوت انتظارات و تمایلات افراد از زندگی، شناخته می‌شوند. همچنین عوامل اجتماعی و کالبدی محیط‌های مسکونی نیز تجربه‌های واقعی افراد را از این محیط‌ها شکل می‌دهند. در این میان هرچه در انتظارات افراد با تجربه واقعی آنها از محیط همپوشانی بیشتری وجود داشته باشد، رضایتمندی از محیط مسکونی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: رضایتمندی، محیط مسکونی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل کالبدی.

۹۱

شماره هجدهم

بهار ۱۳۹۵

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

بررسی عوامل و متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی

۱. مقدمه

یکی از مباحثی که سال‌های اخیر در ادبیات برنامه‌ریزی شهری وارد شده و کمبود توجه به آن در مداخلات صورت گرفته در بافت‌های ناکارآمد شهری احساس می‌شود، میزان رضایتمندی شهروندان از محیط مسکونی است (Shamaei & PourAhmad, 2005: 274). زیستن در محیط مسکونی مطلوب آرزوی بسیاری از افراد است که بنا به دلایل متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی قادر به انتخاب مکان مناسب‌تری نیستند. این امر به مرور زمان فاصله بین انتظارات فرد را با واقعیت موجود در زندگی‌اش بیشتر نموده که در نتیجه آن رضایتمندی از محیط مسکونی را کاهش می‌دهد. باید توجه داشت که وجود و تداوم ناراضی‌تری در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی، مشکل‌آفرین است؛ زیرا تداوم آن باعث کم‌رنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد نسبت به دیگر اعضای جامعه شده و چه بسا منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی شود (Mendoza & Napoli, 1995). از سوی دیگر چنانچه رضایتمندی در میان ساکنان شکل نگیرد، معضلات جدی‌تری مانند مهاجرت‌های درون شهری، تضادهای شدید طبقاتی و ... صورت می‌پذیرد (Shahabian et al., 2014: 42).

باید اذعان نمود که توجه به مقوله رضایتمندی شهروندان از محیط مسکونی یکی از عناصر اساسی نظم، وفاق و همبستگی اجتماعی است (Fletcher, 1956) و از آن نظر حائز اهمیت است که ضمن شناخت شرایط روانی جامعه، زمینه‌ساز افزایش کیفیت زندگی، افزایش پیوندهای اجتماعی، حس تعلق به مکان و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد شد. هدف این مقاله جست‌وجوی چارچوبی نظری برای تشخیص عوامل و متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی است. این که رضایتمندی از محیط مسکونی به چه معناست؟ چه عوامل و متغیرهایی سبب می‌گردند فردی از یک محیط مسکونی احساس رضایت و فرد دیگری از همان محیط احساس ناراضی‌تری کند؟ و به عبارت دیگر رضایت فرد از محیط مسکونی تحت تأثیر چه عواملی قرار می‌گیرد؟ و میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر رضایتمندی به چه صورت است؟ به نظر می‌رسد شناسایی عوامل و متغیرهای مؤثر بر میزان رضایتمندی و ناراضی‌تی ساکنان می‌تواند در درک وضعیت موجود کیفیت محیط سکونتی، راهبردهای آتی برای ارتقای سطح کیفی محیط و جلوگیری از تکرار برخی اقدامات نامناسب در سایر مکان‌ها مؤثر واقع گردد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر فراتحلیل است. روشی که به هماهنگ و یکدست کردن نتایج پژوهش‌های انجام شده و مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازد. در روش فراتحلیل، می‌توان با تجزیه و تحلیل درست متون گذشته به نتیجه‌گیری‌هایی ملموس دست یافت. با این شیوه می‌توان به راحتی تحقیقات انجام شده را (ولو با تفاوت‌های بسیار) با هم مقایسه کرد و از میان نتایج پراکنده و ناهماهنگ پژوهش‌ها، دقیق‌ترین و منطقی‌ترین نتیجه را به دست آورد (Alimohammadi et al., 2012: 8). از این رو، با

توجه به پیش‌زمینه، در این مقاله تلاش بر آن است که دیدگاه‌ها، سوابق نظری و نتایج تحقیقات مرتبط با مفهوم رضایتمندی از محیط مسکونی و عوامل و متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر آن از طریق مرور تحقیقات مرتبط با موضوع، مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته، سپس به تدوین مدل پیشنهادی پژوهش پرداخته شود.

۳. رضایتمندی از محیط مسکونی

رضایتمندی از محیط مسکونی، چگونگی ارزیابی مردم از محیط زندگی‌شان است. در واقع هیچ‌گونه توافقی برای تعیین نوع ارزیابی برای رضایتمندی ساکنان و کاربران وجود ندارد؛ چراکه درک میزان رضایت از سوی هر شخص در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و فرهنگی متفاوت است. در نتیجه مطالعات انجام شده در دهه‌های اخیر، محققان مفهوم این واژه را در دو رویکرد اساسی مورد بررسی قرار داده‌اند: گروهی از محققان مفهوم رضایتمندی را با عنوان معیار و استاندارد برای تسهیل امور مربوط به محیط و مهار اهداف کاربر دانسته و از آن به عنوان «رویکرد هدفمند» نام برده‌اند (Canter and Riss, 1982; Oseland, 1990). گروهی دیگر این مفهوم را با عنوان معیاری برای سنجش شکاف قابل مشاهده میان انتظارات و نیازهای ساکنان و واقعیت موجود بستر سکونتی آنها تعریف می‌کنند و از آن به عنوان «رویکرد خلأ انتظارات یا خلأ تمایلات مصرف‌کنندگان» یاد می‌کنند (Galster, 1987).

در واقع مفهوم رویکرد هدفمند از یک دیدگاه کاملاً شناختی نشأت گرفته و محققان بر روی اهداف و فعالیت‌های مرتبط با محیط فیزیکی تأکید می‌نمایند. این رویکرد محققان را توانمند می‌سازد تا از معیارها و استانداردهایی که از جنبه‌ها و نقش‌های متفاوت کاربران به دست آورده‌اند، برای افزایش میزان رضایتمندی آنها از محیط زندگی استفاده کنند. این امر همان طور که اهداف مردم را جهت‌گیری می‌کند، باعث تأثیرگذار بودن روابط آنها با محیط زندگی‌شان نیز می‌شود. علاوه بر این، ارزیابی یا برآورد محیط معمولاً با مقایسه شرایط سکونگاهی فرد با توجه به خواسته‌ها، تمایلات و آرزوهایی که وی از محیط زندگی خود دارد، صورت می‌گیرد. این امر فرضی است که پایه رویکرد خلأ انتظارات براساس آن شکل گرفته و رایج‌ترین چارچوب مفهومی برای رضایتمندی ساکنان و افرادی که رضایتمندی را از این منظر درک کرده‌اند، می‌باشد (Galster, 1987; Weidemann & Anderson, 1985).

با این حال دیدگاه قوی‌تر از مفهوم رضایتمندی توسط فرانچسکیتو (۱۹۸۹) مطرح شده است. وی این مفهوم را به عنوان یک نگرش و ساختار چندوجهی که دارای ویژگی‌های شناختی، تأثیرگذاری و احساسات چند بعدی است، تعریف کرده است. بسیاری از محققان مدعی شده‌اند که این تعریف از رضایتمندی، کامل‌تر و جامع‌تر است و از آن به عنوان یک ساختار مفهومی چند بعدی هم نام برده‌اند. در واقع ویژگی‌های متفاوت زندگی افراد که منجر به افزایش رضایتمندی ساکنان و کاربران از محیط می‌شود،

براساس چند عامل تقسیم‌بندی شده‌اند. کانتر و ریس (۱۹۸۲) از این عوامل به عنوان مرجع تعامل یاد کرده‌اند؛ در حالی که فرانچسکیو (۲۰۰۲) آنها را حوزه محیط زندگی نامیده است. این عوامل که در ادبیات پژوهش حاضر طبقه‌بندی می‌شوند، در سه حوزه فردی، اجتماعی و کالبدی قابل استخراج هستند.

۴. بررسی عوامل مؤثر بر رضایتمندی بر پایه آرای صاحب نظران
عوامل مؤثر بر رضایتمندی از محیط مسکونی براساس مطالعات انجام شده در سه حوزه فردی، اجتماعی و کالبدی قابل استخراج‌اند. باید توجه داشت که در تدوین چارچوب نظری این پژوهش، منظور از ارجاع به مطالعات انجام شده در زمینه شناسایی عوامل و متغیرهای زمینه‌ای مؤثر، تقلیل اهداف پژوهش به یکی از آنها نیست، بلکه از این معیارها برای تعیین اهمیت نسبی هریک از این عوامل بر میزان رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی استفاده شده است.

۴.۱. عوامل فردی

پژوهشگران مختلفی تأثیر عوامل فردی را بر روی میزان ادراک ساکنان از رضایتمندی بررسی کرده‌اند. در وهله نخست، تفاوت اولویت‌ها در رابطه با رضایتمندی از محیط مسکونی بستگی به سن یا مرحله زندگی افراد دارد. از قرار معلوم تفاوت در رضایتمندی که مرتبط با سن هستند، تحت تأثیر تغییر در نیازها و اهداف افراد در دوره‌های مختلف سنی است. مطالعات نشان می‌دهند که افراد سالخورده بیش از افراد جوان از شرایط محیط مسکونی‌شان رضایت دارند (Brown et al., 2005; Chapman & Lombard, 2006; Filkins, 1982; Wasserman, 2000; James, 2008; et al.). در واقع یکی از خصوصیات افراد سالخورده نسبت به گروه سنی کم سن و سال‌تر، پذیرفتن راحت‌تر شرایط و تطبیق دادن معیارهای‌شان با محیط زندگی در زمان شناخته شده است (Amerigo & Aragon, 1990; Brown et al., 2005; Chapman & Lombard, 2006; Perez et al., 2001). از دیگر عواملی که بر رضایت از سکونتگاه دارای تأثیر است، جنسیت می‌باشد. زنان و مردان غالباً در مورد مناسب بودن محیط مسکونی اختلاف نظر دارند. مطالعات نشان داده‌اند که زنان میزان بالاتری از رضایتمندی را نسبت به مردان دارند. دلیل این امر وابستگی و پیوند عاطفی با جامعه محلی به عنوان یک عامل قوی و مهم می‌باشد (Aiello et al., 2010; Perez et al., 2001). کارپ و کارپ (۱۹۸۲) تأثیر سن و جنسیت را بر روی ارزیابی رضایتمندی از محله و واحد همسایگی بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که سن، رابطه معنی‌دار خطی مثبتی با ادراک کیفیت محیط و رضایتمندی ساکنان دارد. نتایج جنسیت تنها در سه بعد (صدا، امنیت و حریم) متفاوت از یکدیگر بوده‌اند و به طور کلی زنان جوان در مقایسه با مردان جوان از شرایط زندگی‌شان رضایت بیشتری داشته‌اند. وضعیت تأهل افراد در رضایت از محیط مسکونی نیز مهم تشخیص داده شده است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که افراد مجرد

و خانواده‌های با یک والد مجرد، رضایتمندی کمتری از وضعیت نسبت به زوج‌های دارای فرزند دارند. دلیل این امر تمایل به تعامل بیشتر زوج‌های دارای فرزند با جامعه محلی می‌باشد. در واقع کودکان عامل پیوندی خانواده با دیگر ساکنان محیط به حساب می‌آیند و ارتباط خانواده را با جامعه از طریق دوستی‌ها، فعالیت‌ها، مدرسه مشترک و... فراهم می‌آورند که این امر می‌تواند به رضایتمندی بیشتر ساکنان منجر شود (Lu, 1984; Hourihan, 1975; Marans & Rodgers, 1999). همچنین عامل قومیت در رضایتمندی مسکونی دارای اهمیت می‌باشد (Lu, 1999). برای مثال، مطالعاتی که بر روی میزان رضایتمندی مردم قفقازی صورت گرفته است، سطح بالایی از رضایتمندی را در میان آنها گزارش داده‌اند (Mohan & Twigg, 2007; Long & Perkins, 2007). بنابراین لازم است که مطالعات رضایتمندی در میان گروه‌های مختلف قومی مورد آزمایش و مطالعه قرار گیرد. موقعیت اجتماعی-اقتصادی در میزان رضایت از محیط زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. گروهی از محققان بر این باورند که ساکنان با وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر، بیش از ساکنان با موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر، از شرایط سکونتی‌شان رضایت دارند. در واقع دسترسی بهتر این گروه به خدمات و امکانات موجب سلامت کامل و رفاه بیشتر ساکنان خواهد شد که در پی آن رضایتمندی بیشتر را به همراه دارد (Billing, 2005; Braubach, 2007; Filkins, 2000; James, 2008; Jorgensen, Jamieson & Martin, 2010; Mohan & Twigg, 2007; Perez et al., 2001; Shamai & Ilatov, 2005). نتایج مطالعه بابا و آوستین (۱۹۸۹) نشان داد که افراد دارای وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و مالکان در مقایسه با افراد دارای ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی پایین و مستأجران، از ویژگی‌های محیط مسکونی خود راضی‌تر بوده‌اند. این در حالی است که گروه دیگر از محققان همچون هور و موروجونز (۲۰۰۸) مطرح کرده‌اند که افزایش وضعیت اقتصادی-اجتماعی با کاهش رضایتمندی به دلیل افزایش سطح انتظارات نسبت به جامعه دارای رابطه است و زمانی که این انتظارات برآورده نشود، سطح رضایتمندی کاربران از محیط کاهش می‌یابد.

تحصیلات، عامل دیگری است که دارای ارتباط قابل ملاحظه‌ای با میزان رضایتمندی می‌باشد (Chapman & Lombard, 2006). مطالعات نشان داده‌اند که ساکنان در مقاطع تحصیلی بالاتر، رضایتمندی بیشتری نسبت به ساکنان مقاطع تحصیلی پایین‌تر را دارا می‌باشند (Chapman & Lombard, 2001; Lu, 1999; Perez et al., 2006). برخی از محققان بر این باورند که اساساً سطوح پایین‌تر تحصیلات دارای همبستگی با ویژگی‌های ضعیف‌تر اجتماعی-اقتصادی است و در نتیجه این گروه از افراد بیشتر بر روی بهبود شرایط اقتصادی خود نسبت به مشارکت کردن در جامعه تمرکز دارند (Grillo et al., 2010). این در حالی است که در تحقیقاتی که توسط فیلکینز (۲۰۰۰) و هور و

3 Baba & Austin

4 Hur & Morrow-Jones

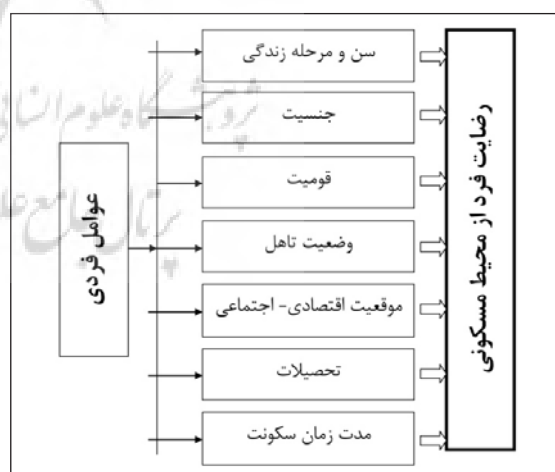
5 Filkins

1 Canter & Ress

2 Carp & Carp

موروجونز (۲۰۰۸) صورت گرفته، نتایج بر این اساس بود که هرچه میزان تحصیلات فرد بیشتر شود، رضایتمندی وی از محیط کمتر خواهد شد. دلیل این امر افزایش توقعات فرد از سطح زندگی نسبت به افزایش سطح تحصیلات می‌باشد که در نتیجه آن انتقاد فرد از محیط زندگی‌اش بیشتر خواهد شد.

نکته مهم دیگر، ارتباط قابل توجه میان مدت زمان اقامت و رضایت از سکونتگاه است. در واقع هرچه مدت زمان زندگی یک فرد در جامعه‌ای بیشتر باشد، وابستگی وی به جامعه محلی به واسطه مشارکت در جامعه و شبکه‌های اجتماعی گسترده قوی‌تر خواهد شد که این امر منجر به سطوح بالاتری از رضایتمندی می‌شود (Brown et al., 2005; Filkins, 2000; Fluery-Bahi et al., 2008). تفاوت میان ساکنان درازمدت و تازه واردها نیازهای متفاوتی را نتیجه می‌دهد. ساکنان جدید معمولاً در مورد مشکلات فیزیکی محیط مسکونی نگرانی بیشتری دارند و به دنبال تطبیق دادن خود با محیط جدید می‌باشند و ممکن است احساس ناامنی در مورد جامعه محلی جدید داشته باشند؛ چراکه آنها هنوز خود را متعلق به آن نمی‌دانند. این در حالی است که ساکنان درازمدت به ویژه آنان که عضوی از جامعه محلی‌اند، بیشتر متمرکز بهبود یافتن وضع محیط مسکونی خود هستند که در نتیجه آن احساس تعلق به جامعه در آنها افزایش پیدا کرده و منجر به سطوح بالاتری از رضایتمندی می‌شود (Potter & Cantarero, 2006). از این رو، تحلیل یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که تفاوت‌های فردی معیاری تأثیرگذار بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی می‌باشد و با توجه به تفاوت‌های فردی، ساکنان انتظارات متفاوتی از ویژگی‌های محیط مسکونی خود دارند. معیارهای مؤثر بر عامل فردی رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی در نمودار شماره ۱ خلاصه شده است.



نمودار شماره ۱: معیارهای مؤثر بر عامل فردی رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی

۴.۲. عوامل اجتماعی

از موارد دیگر می‌توان به تأثیرات عوامل اجتماعی بر روی درک میزان رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی اشاره نمود. محیط اجتماعی که فرد در آن شرکت دارد، شامل تعاملات اجتماعی،

روابط و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (Bruin & Cook, 1997; Galster & Hesser, 1981; Miller et al., 1980; Sirgy & Cornwell, 1982; Wasserman, 2002). برخی از پژوهشگران (Amerigo & Aragones, 1997; Fried & Gleicher, 1972; Carp, 1966) می‌کنند که ارتباطات اجتماعی در رضایتمندی محیط مسکونی از عوامل کالبدی مهم‌تر هستند. گودی^۱ (۱۹۷۷) یکی از نخستین پژوهشگرانی بود که مطرح کرد، عوامل اجتماعی در تعیین رضایتمندی محیط مسکونی بسیار با اهمیت هستند (Potter & Cantarero, 2006). مطالعات نشان داده است، میزان دلبستگی که فرد به یک جامعه محلی دارد (Puddifoot, 2008; Mellor et al., 1994)، بر میزان رضایتمندی وی از محیط مسکونی دارای تأثیر می‌باشد. در واقع دلبستگی به عنوان یک رابطه میان فرد و محیط اجتماعی و کالبدی او شناخته می‌شود (Bonaiuto et al., 1999; Wasserman, 1982; Mesch & manor, 1998; Grillo et al., 2010) و به هر اندازه که فرد احساس تعلق اجتماعی بیشتری به محیط مسکونی خود داشته باشد، به سطوح بالاتری از رضایتمندی دست خواهد یافت.

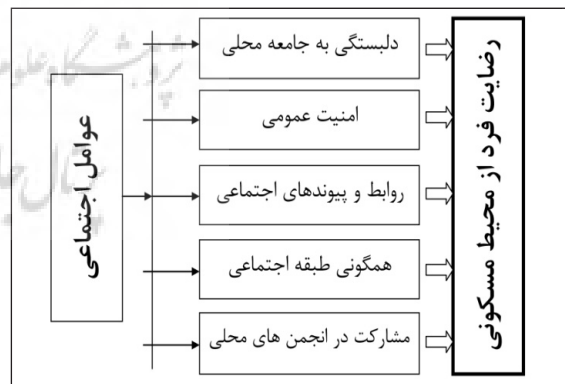
روابط و پیوندهای اجتماعی همسایه‌ها به عنوان یک عامل بالقوه و مهم دیگر در میزان رضایتمندی و نارضایتی ساکنان از محیط مسکونی تأثیرگذار است (Lansing & Hendricks, 1967; Keller, 1968, 1968; Amerigo & Aragones, 1997, 1990; Gans, 1967; Gordan show, 1994). اگر چه ممکن است رضایت از همسایگان اهمیت کمتری در مقایسه با گذشته داشته باشد، ولی هنوز هم به عنوان عاملی مهم می‌تواند از طریق فراهم نمودن پشتیبانی و تعاملات اجتماعی جبران شرایط محیطی فقیر باشد (Aiello et al., 2010; Amerigo & Aragones, 1997; Brown et al., 2005; Bruin & Cook, 1997; Galster & Hesser, 1981). در مطالعه‌ای بر روی ۴۰۰ خانم خانه‌دار اسپانیولی مشخص گردید که همسایگان عامل بسیار مهمی در رضایت از محیط مسکونی هستند. فیلکینز و همکارانش (۲۰۰۰) پژوهشی دیگر بر میزان رضایت اجتماعی که مربوط به روابط اجتماعی از جمله دوستی‌های محلی و پیوندی که احساسات قوی جامعه را پرورش می‌دهد، انجام داده‌اند. این مطالعات نشان داد که روابط اجتماعی بر میزان رضایت جامعه بسیار تأثیرگذار است و هر چه ساکنان از منطقه زندگی‌شان راضی‌تر بوده‌اند، میزان رضایت آنان از محیط مسکونی بالاتر بوده است. همچنین جونگ هوان^۲ (۲۰۰۳) با مطالعه ساکنان سالخورده در شهر شیکاگو به این نتیجه دست یافت که پیوندهای اجتماعی اثری معنادار بر افزایش رضایت و کاهش تمایل به جابه‌جایی ساکنان دارد.

عامل اجتماعی دیگر، مشابه بودن و همگونی طبقه اجتماعی همسایگان است. هنگامی که فرد احساس کند همسایه‌ها مشابه وی هستند، رضایت از محیط مسکونی افزایش خواهد یافت (Gifford, 1999; Marcus & Sarkisian, 1986; Marna & Rogers, 1975). اما یک محیط اجتماعی مثبت تنها شامل

1 Goudi

2 Joong-Hwan

همگونی، روابط اجتماعی و تعامل همسایه‌ها در جامعه نمی‌باشد، بلکه میزان مشارکت فرد در فعالیت‌های واحد همسایگی نیز با رضایتمندی از محیط مسکونی با درصد بالایی رابطه داشته است. (Amerigo & Aragonés, 1997; Fried, 1984; Grillo et al., 1982; Unger & Wandersman, 1985; Wasserman, 1982). شرکت در انجمن‌های محلی و داوطلبانه سبب افزایش تعاملات در جامعه می‌شود که به نوبه خود در رضایتمندی ساکنان مؤثر است (Amerigo & Aragonés, 1997; Wasserman, 1982; James et al., 2009). همچنین بررسی‌ها نشان داده که مشارکت یک فرد در جامعه محلی خویش وابسته به برداشت او از میزان امنیت عمومی در جامعه محلی است. هرچه یک فرد احساس امنیت بیشتری از محیط مسکونی خود داشته باشد، راحت‌تر به تعاملات اجتماعی در آن محیط می‌پردازد (James et al., 2009; Marans & Rodgers, 1975; Wasserman, 1982; Bruin & Cook, 1997; Chapman & Lombard, 2006). چنانچه ساکنان محیط خود را ناامن مشاهده کنند، رضایتمندی از جامعه محلی کاهش یافته که این امر جابه‌جایی ساکنان از محیط مسکونی را در پی دارد. (James et al., 2009; Diaz-Serrano & Stoyanova, 2010; Grillo et al., 2010; James et al., 2009). این درک از وجود امنیت عمومی و نبود جرم و جنایت در محیط مسکونی توسط لومبارد و چپمن (۲۰۰۶) مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که کمتر از ۱۰ درصد نمونه مطالعاتی باور داشتند که جرم و جنایت در جامعه محلی‌شان وجود دارد و این تصور از وجود امنیت عمومی و نبود جرم و جنایت در محیط مسکونی (با وجود آمار بالای جرم و جنایت که ظهور فعالیت‌های جنایی در آن جامعه محلی نشان می‌داد)، منجر به افزایش میزان رضایتمندی ساکنان شده بود. معیارهای مؤثر بر بعد اجتماعی رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی در نمودار شماره ۲ خلاصه شده است.



نمودار شماره ۲: معیارهای مؤثر بر عامل اجتماعی رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی

۴.۳. عوامل کالبدی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی، عوامل کالبدی می‌باشد. مطالعات مربوط به رضایتمندی از محیط مسکونی نشان می‌دهد که خدمات و امکانات عمومی در دسترس

مردم (همچون خدمات تجاری، خدمات اورژانسی و خدمات بخش خصوصی) قضاوت درباره رضایتمندی از محیط مسکونی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Marans & Rodgers, 1975; Wasserman, 1982; Sirgy & Cornwell, 2002; Grzeskowiak et al., 2003; Potter & Cantarero, 2006). فیلیکینز (۲۰۰۰) خدمات و امکانات عمومی در یک محیط مسکونی همچون مدارس، حفاظت پلیس و خدمات محلی را مورد بررسی قرار داد. این تحقیق نشان داد که هرچه فرد از خدمات عمومی محیط مسکونی خود راضی‌تر باشد، رضایتمندی وی از اجتماع محلی بیشتر و قوی‌تر خواهد بود. همچنین نتایج مشابهی که مک کریا، استیمسون و وسترن (۲۰۰۵) به آن دست یافتند، حاکی از آن بود که رضایت از خدمات و امکانات عمومی، به عنوان یک شاخص مهم رضایتمندی از محیط مسکونی دارای اهمیت است. برخی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، بیشتر به مسائل محیطی مرتبط با بعد کالبدی رضایتمندی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد که وجود تعداد قابل قبول فضاهای باز عمومی، پارک‌ها، نزدیکی به امکانات خویشاوندی و جنبه‌های زیبای محیط در رضایت مردم مؤثرند. در واقع این جنبه‌ها وابستگی فرد را نسبت به محیط مسکونی خود افزایش می‌دهد که این امر افزایش رضایتمندی ساکنان را در پی دارد (Adriaanse, 2007; Bonaiuto et al., 1999; Braubach, 2007; Chapman & Lombard, 2006; Da Luz Reis & Lay, 2010; Perez et al., 2001; Uzzell et al., 2002).

میزان ازدحام و خلوت محیط مسکونی نیز در رضایت مردم از محیط مسکونی مهم تشخیص داده شده‌اند. براساس مطالعاتی که در کالیفرنیا انجام شده، محققان به رابطه میان افزایش رضایتمندی ساکنان با کاهش ازدحام و افزایش فضای باز عمومی دست یافته‌اند که این امر را می‌توان با مواردی همچون نیاز انسان به فضای خلوت، سکوت و محیطی مناسب در خارج از خانه عنوان نمود (Potter & Cantarero, 2006). همچنین ظاهر مطلوب محیط و نحوه نگهداری از محیط مسکونی نیز با میزان رضایتمندی مردم رابطه معناداری را نشان داده‌اند. پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مطرح کرده‌اند که رضایتمندی از محیط مسکونی براساس پاکیزگی و نظافت محیط تعیین می‌شود؛ به طوری که هرچه میزان لذت ساکنان از نظافت و پاکیزگی بیشتر شود، سطح رضایتمندی آنها از محیط مسکونی افزایش خواهد یافت (Adriaanse, 2007; Aiello et al., 2010; DaLuz Reis & Lay, 2010; Grzeskowiak et al., 2006; Hourihan, 1984; James et al., 2009; Perez et al., 2001).

هوریهان (۱۹۸۴) به این نتیجه دست یافت که ساکنان در طبقات متوسط و بالایی اجتماعی توجه بیشتری به پاکیزگی و نظافت محیط مسکونی خود دارند و در نتیجه آن میزان بالایی از رضایتمندی را تجربه می‌کنند. همچنین در این تحقیق مشخص شد که ساکنان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر، در هم ریختگی محیط را نادیده گرفته‌اند و رضایت از محیط مسکونی را از

2 McCrea, Stimson & Western

3 Hourihan

1 Lombard & Chapman

طریق روابط اجتماعی قوی در اجتماع محلی خود تجربه می‌کنند. در مجموع به نظر می‌رسد که عوامل کالبدی به اندازه فعالیت‌ها و روابط متقابل اجتماعی با میزان رضایتمندی ساکنان ارتباط دارد. نکته مهم، ارزشیابی متفاوت ساکنان از معیارها و شاخص‌های عامل کالبدی می‌باشد. معیارهای مؤثر بر بعد کالبدی رضایتمندی ساکنان از یک محیط مسکونی به طور خلاصه در نمودار شماره ۳ آورده شده است.



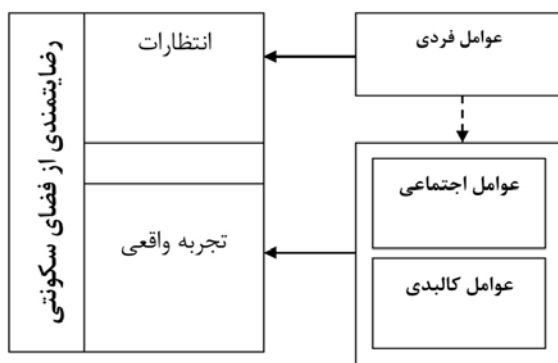
نمودار شماره ۳: معیارهای مؤثر بر عامل کالبدی رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی

۵. تحلیل یافته‌ها و مدل پیشنهادی

پس از بررسی تعاریف رضایتمندی از فضای مسکونی در چارچوب مفهومی ادبیات غرب، هدف مقاله حاضر ایجاد یک مدل مفهومی از رضایتمندی مسکونی در یک پرسپکتیو جدید است. همان طور که اشاره شد، گالستر (۱۹۸۱) رضایتمندی را به عنوان شکاف قابل ملاحظه بین احتیاجات سکونتی ساکنان با انتظارات آنان با واقعیت بستر سکونتی فعلی خود، تعریف کرده است. با توجه به این تعریف، چارچوب جدیدی را می‌توان پیشنهاد داد که طبق آن رضایتمندی مسکونی بستگی به تفاوت بین انتظار ساکنان از محیط مسکونی خود با تجربه‌های واقعی آنان در این محیط دارد. نقطه کانونی چارچوب نظری ایجاد شده تفاوت‌ها می‌باشد. تفاوت‌هایی که تلاش می‌کند ویژگی‌های فردی متفاوت افراد را با توجه به تفاوت‌های اجتماعی و کالبدی بستر سکونتی آنان اتصال دهد. با توجه به این مهم می‌توان مطرح نمود که رضایتمندی از فضای مسکونی به واسطه تفاوت بین انتظارات و تجربیات واقعی بستر سکونتی افراد ایجاد می‌شود. هرچه همپوشانی و نقاط اشتراک انتظارات و دستیابی به مسکن موفق‌تر و یا به عبارتی تجربیات واقعی افراد بیشتر باشد، میزان رضایتمندی از فضای سکونتی را افزایش خواهد داد. به بیانی دیگر، می‌بایست هدف را در پیدا کردن مسیریابی برای به حداکثر رساندن نقاط اشتراک و پیوند بین انتظارات و تجربه واقعی افراد در محیطی که آنها زندگی می‌کنند و کاهش میزان تفاوت این دو باشد؛ چراکه به هر میزان نقاط پیوند و اشتراک میان این دو در محیط سکونتی افراد بیشتر باشد و در نهایت بتوانند کاملاً برهم منطبق شوند، تأثیر بیشتری بر افزایش رضایتمندی افراد خواهد داشت. با در نظر گرفتن این واقعیت، دو پرسش مهم ایجاد می‌شود: انتظارات ساکنان متأثر از چیست؟ و چه عواملی در تجربه واقعی افراد در محیط و بستر

سکونتی تأثیرگذار است؟

عامل اساسی در سطح انتظارات، ویژگی‌های فردی متفاوت افراد است. با توجه به تفاوت‌های فردی در سن، جنسیت، قومیت، میزان تحصیلات و ... سطح انتظارات افراد در طی زمان تفاوت می‌کند (Francescato, 1987). به همین دلیل، انتظارات در مدل شماره ۱ تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت که رضایتمندی سکونتی تا حد زیادی با انتظارات فردی متفاوت افراد مشخص می‌شود. همچنین تجربه واقعی ساکنان در بستر سکونتی، با توجه به تفاوت در شرایط اجتماعی و کالبدی گوناگون آنان در محل زندگی‌شان متفاوت است. همان طور که در بخش نخست پژوهش بیان شد، عوامل اجتماعی همچون دلبستگی به جامعه محلی، پیوند روحی و روانی با مکان، امنیت عمومی، همگونی طبقه اجتماعی و ... به عنوان احساساتی مطرح هستند که در روند شکل‌گیری تجربه اجتماعی سکونت افراد در محیط گوناگون مؤثر هستند. از سوی دیگر، اشتراکات پژوهش حاکی از آن است که رضایتمندی تحت تأثیر شرایط و عوامل کالبدی محیط سکونت همچون خدمات و امکانات عمومی، فضاهای عمومی و تفریحی و ... نیز قرار دارد. در واقع ویژگی‌های برگرفته از محیط کالبدی به اندازه فعالیت‌ها و روابط متقابل اجتماعی با میزان رضایتمندی ساکنان ارتباط دارند. ولی تعیین اهمیت بیشتر هر یک از عوامل اجتماعی و کالبدی تنها با حضور در فضا و مشاهده رفتار ساکنان امکان‌پذیر است و قطعاً در مطالعات کتابخانه‌ای ممکن است به آن توجه نشده باشد. در جامعه‌ای اعتبار اجتماعی محله و ارتباط با همسایگان ارزش بیشتری به حساب می‌آید و در تجربه واقعی افراد در رضایتمندی نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند و در جامعه‌ای دیگر عوامل کالبدی عامل مهم‌تری محسوب می‌شوند. با توجه به اهمیت این عوامل، همان طور که در مدل شماره ۱ نشان داده شده، مجموع این دو عامل نقش مؤثری را در شکل‌گیری تجربه‌های واقعی افراد در محیط مسکونی ایفا می‌کنند. با توجه به موارد مطرح شده، مدل جدید این پژوهش مشخص می‌کند که رضایتمندی مسکونی به عنوان اثر متقابل بین انتظارات گوناگون افراد و تجربه اجتماعی کالبدی آنان در محیط زندگی‌شان در یک بستر اقتصادی-سیاسی مشخص است که هر چه میزان تطبیق، اشتراک و همپوشانی انتظارات افراد با تجربه آنان در بستر واقعی مسکونی بیشتر باشد، سطح این رضایتمندی سکونتی افزایش خواهد یافت.



مدل شماره ۱: مدل پیشنهادی پژوهش

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رضایتمندی از فضای مسکونی یک پدیده پیچیده وابسته به عوامل متعدد است. تحلیل یافته‌های تحقیق، عوامل مؤثر بر رضایتمندی را در سه دسته‌بندی فردی، اجتماعی و کالبدی نشان می‌دهد. سطح نخست نتایج مطالعات رابطه معیارهای فردی با میزان رضایتمندی را امکان‌پذیر ساخت و عوامل فردی معیاری تأثیرگذار بر رضایتمندی ساکنان شناخته شد. در سطح دوم، عوامل اجتماعی به عنوان احساساتی که در روند شکل‌گیری بعد اجتماعی رضایتمندی مؤثرند، شناسایی شد. می‌توان این چنین بیان داشت که حس مردم نسبت به اجتماع محلی در متن مکان و تحت تأثیر دریافت‌های ذهنی مردم از محیط بزرگ‌تر می‌شود و مردم هنگامی از جامعه محلی خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند که حمایت‌کننده، قابل اعتماد و دوستانه به نظر برسد. همچنین سطح سوم اشتراکات پژوهش حاکی از آن است که رضایتمندی تحت تأثیر شرایط و عوامل کالبدی محیط سکونت نیز قرار دارد و اگر محیط انسان‌ساخت انتخاب شود و کیفیت آن مطلوب باشد، قضاوت درباره رضایتمندی از محیط مسکونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

براساس مدل نظری پژوهش، تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر رضایتمندی مورد سنجش قرار گرفت. ویژگی‌های فردی به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل، منبع سطوح متفاوت انتظارات و تمایلات متفاوت افراد از مسکن شناخته شد و کیفیت‌های اجتماعی و کالبدی نیز دو عامل مهم اثرگذار در تجربه واقعی افراد از محیط مسکونی معرفی شدند. در واقع می‌توان گفت افراد با توجه به دریافت‌های عینی از مشاهده محیط کالبدی و دریافت‌های ذهنی از شرایط اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، تجربه‌های واقعی متفاوتی را نسبت به محیط دارند. از این رو، افزایش رضایتمندی از محیط تابع همپوشانی و اشتراک هرچه بیشتر و کاهش تفاوت سطح انتظارات و تجربه واقعی افراد از محیط مسکونی است. نتیجه پژوهش حاضر می‌تواند در پژوهش‌های آتی به صورت ذیل مورد بهره‌برداری قرار گیرد:

- تأثیر هر یک از عوامل به تنهایی و در ارتباط با یکدیگر در مطالعات کمی و در جوامع آماری گوناگون مورد مطالعه و سنجش قرار گیرند.
- استفاده از ضابطه رضایتمندی مسکونی را برای امتحان کردن موفقیت سیستم مسکن در شهرهای جدید و تاریخی مورد استفاده قرار دهند تا سطوح تأثیر هر یک از عوامل شناخته شوند.
- همچنین نتایج چنین پژوهش‌هایی در بهبود عملکرد مجریان و مدیران شهری در پیاده‌سازی الگوهای مناسب‌تر ساخت شهری که در آن به کیفیت محیط نیز توجه داشته باشد، کمک می‌نماید.

References:

- Adriaanse, C. (2007). Measuring residential satisfaction: A residential environmental satisfaction scale (RESS), *Journal of Housing and*

the Built Environment, Vol. 22, No. 3, p.p. 287-304.

- Aiello, A., Ardone, R., & Scopelliti, M. (2010). Neighborhood planning improvement: Physical attributes, cognitive and affective evaluation and activities in two neighborhoods in Rome, *Evaluation and Program Planning*, Vol. 33, No. 3, p.p.264-275.
- Alimohammadi, M., Vadadhir, A.A., Seyfi, A.R., Moshtagh, R. (2012). Meta-analysis studies of poverty in Iran, *Refah Ejetemai Journal*, No. 45, p.p. 36-73. [In Persian]
- Amerigo, M., & Aragonés, J. (1990). Residential satisfaction in council housing, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 10, No. 4, p.p. 313-325.
- Amerigo, M., & Aragonés, J., (1997). A theoretical and methodological approach to the study of residential satisfaction, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.17, No. 1, p.p. 47-57.
- Baba, Y., & Austin, D.M. (1989). «Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization, and Social Participation as Determinants of Perceived Neighborhood Safety», *Environment and Behavior*, Vol. 21, No. 6, p.p. 763-780.
- Billing, M. (2005). Sense of place in the neighborhood, in locations of urban revitalization, *Geo Journal*, Vol. 64, No. 2, p.p. 117-130.
- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 19, No. 4, p.p. 331-352.
- Braubach, M. (2007). Residential conditions and their impact on residential environment satisfaction and health: Results of the WHO large analysis and review of European housing and health status (LARES) study, *International journal of Environment and Pollution*, Vol. 30, No. (3/4), p.p. 384-403.
- Brown, R., Dorius, S., & Krannich, R.; (2005). The boom-bust-recovery cycle: Dynamics of change in community satisfaction and social integration in Delta, Utah; *Rural Sociology*, Vol. 70, No. 1, p.p.

- Behavior (p.p. 15-34), London: Bergin and Garvey.
- Fried, M. (1984). The structure and significance of community satisfaction, *Population and Environment: Behavioral and Social Issues*, Vol. 7, No. 2, p.p. 61-86.
 - Fried, M., & Gleicher, P. (1972). Some sources of residential satisfaction in an urban slum. In J. Wohwill & D. Carson (Eds., *Environment and the social sciences: Perspectives and applications* (p.p. 137-153), Washington DC: American Psychological Association.
 - Gifford, R. (1999). Perception and Recognition Environmental, Architectural and Cultural Journal, Vol. 2-3, No.1, p.p.21-29.
 - Grillo, M., Teixeira, M., & Wilson, D. (2010). Residential satisfaction and civic engagement: Understanding the causes of community participation, *Social Indicators Research*, Vol. 97, No. 3, p.p. 451-466.
 - Galster, G., Hesser, G. (1981). Residential Satisfaction: Compositional and Contextual Correlates, *Environment and Behavior*, Vol. 13, No. 6, p.p. 735-758.
 - Galster, G. (1987). Identifying the correlates of residential satisfaction: An empirical Critique, *Environment and Behavior*, No. 19, 539-568.
 - Gans, H. J. (1967). *The Levitt owners*, New York: Random House.
 - Grzeskowiak, S., Sirgy, M., & Widgery, R. (2003). Residents satisfaction with community services: Predictors and outcomes, *The Journal of Regional Analysis and Policy*, Vol. 33, No. 2, p.p. 1-36.
 - Grzeskowiak, S., Sirgy, M., Lee, D., & Clairborne, C.; (2006). Housing well-being: Developing and validating a measure, *Social Indicators Research*, Vol. 79, No. 3, p.p. 503-541.
 - Hourihan, K. (1984). Context-dependent models of residential satisfaction: An analysis of housing groups in Cork; Ireland, *Environment and Behavior*, Vol. 16, No. 3, p.p. 369-393.
 - Hur, M., & Morrow-Jones, H. (2008). Factors that influence residents satisfaction with neighborhoods, *Environment and Behavior*, Vol. 40, No. 5, p.p. 619-635.
 - Bruin, M., & Cook, C. (1997). Understanding constraints and residential satisfaction among low-income single-parent families, *Environment and Behavior*, Vol. 29, No.4, p.p. 532-553.
 - Canter, D. & Riss, K.A. (1982). Multivariate model of housing satisfaction, *International Review of Applied Psychology*, No. 32, p.p. 185-208.
 - Carp, E.M. (1966). *A Future for the Aged: the residents of Victoria plaza*, Austin: university of Texas Press.
 - Carp, F., & Carp, A. (1982). Perceived Environmental Quality of Neighborhoods: Development of Assessment Scales and their relation to Age and Gender, *Journal of Environmental Psychology*, No.2, p.p. 295-312.
 - Chapman, D., & Lombard, D. (2006). «Determinants of neighborhood satisfaction in fee-based gated and nongated communities, *Urban Affairs Review*, Vol. 41, No. 6, p.p. 769-799
 - Da Luz Reis, A., & Lay, M., (2010). Internal and external aesthetics of housing estates, *Environment and Behavior*, Vol. 42, No. 2, p.p. 271-294.
 - Diaz-Serrano, L., & Stoyanova, A. (2010). Mobility and housing satisfaction: An empirical analysis for 12 EU countries, *Journal of Economic Geography*, Vol. 10, No. 5, p.p. 661-683.
 - Filkins, R., Allen, J., & Cordes, S. (2000). Predicting community satisfaction among rural residents: An integrative model, *Rural Sociology*, Vol. 65, No.1, p.p. 72-86.
 - Fluery-Bahi, G., Felonneau, M., & Marchand, D. (2008). Processes of place identification and residential satisfaction, *Environment and Behavior*, Vol. 40, No. 5, p.p. 669-682.
 - Francescato, G., Weidemann, S., Anderson, J.R., Chenoweth, R. (1989). Residents satisfaction in HUD- assisted housing: Design and Management factors, Washington DC: Department of Housing and Urban Development.
 - Francescato, G. (2002). Residential Satisfaction research: the case for and against In: J.J. Aragonés, G. Francescato & T. Carling Editors, *Residential environment: Choice, Satisfaction and*

- Mohan, L., & Twigg, L. (2007). Sense of place, Quality of life and local socioeconomic context. Evidence from the survey of English housing, 2002/03, *Urban Studies*, Vol. 44, No. 10, p.p. 2029-2045.
- Oseland, N.A. (1990). An evaluation of space in new homes, *Proceedings of the IAPS Conference Ankara, Turkey*, p.p. 322-331.
- Perez, F., Fernandez-Mayoralas, G., Rivera, F., & Abuin, J. (2001). Ageing in place: Predictors of the residential satisfaction of elderly, *Social Indicators Research*, Vol. 54, No. 2, p.p. 173-208.
- Potter, J., & Cantarero, R. (2006). How does increasing population and diversity affect resident satisfaction? A small community case study, *Environment & Behavior*, Vol.38, No. 5, p.p. 605-625.
- Puddifoot, J. (1994). Community identity and sense of belonging in a Northeastern English town, *The Journal of Social Psychology*, No.134, p.p. 601-605.
- Shahabian, P., Saeidpour, S., PirayehGar, M. (2013). Measuring of residents residential Satisfaction of Manzariye neighborhood and residents of the Khahar Imam neighborhood in Rasht, *Amayesh Mohit Journal*, No. 34, p.p. 41-62.[In Persian]
- Shamaei, A., PourAhmad, A., (2005), Upgrading and urban renewal from the perspective of geography, Tehran: Tehran University Press.[In Persian]
- Shamaei, S., & Ilatov, Z. (2005). Measuring Sense of place: Methodological aspects», *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, Vol. 96, No. 5, p.p. 467-476.
- Sirgy, M., & Cornwell, T. (2002). How neighborhood features affect quality of life, *Social Indicators Research*, Vol.59, No.1, p.p. 79-114.
- Unger, D., & Wandersman, A. (1985). The importance of neighbors: The social, cognitive and affective components of neighboring, *American Journal of Community Psychology*, Vol. 13, No. 2, p.p.139-169.
- Uzzell, D., Pol, E., & Badenas, D. (2002). Place
- James, R.; (2008). Residential satisfaction of elderly tenants in apartment housing, *Social Indicators Research*, Vol. 89, No. 3, p.p. 421-437.
- James, R., Carswell, A., & Sweaney, A. (2009). Sources of discontent: Residential satisfaction of tenants from an internet ratings site», *Environment and Behavior*, Vol. 41, No.1, p.p. 43-59.
- Joong-Hwan, O. (2003) . Social Bonds and the Migration Intentions of Elderly Urban Residents: The Mediating Effect of Residential Satisfaction, *Population Research and Policy Review*, No. 22; p.p.127-146.
- Jorgensen, B., Jamieson, R., & Martin, J. (2010). Income, sense of community and subjective well-being: Combining economic and Psychological variables, *Journal of Economic Psychology*, Vol.31, No. 4, p.p. 612-623.
- Keller, S. (1968). *The Urban Neighborhood: A Sociological Perspective*, New York: Random House.
- Lansing, J.B. and G. Hendricks (1967). *Living Patterns and Attitudes in the Detroit Region; Detroit regional, Transportation and Land Use Study*.
- Long, D., & Perkins, D. (2007). Community social and place predictors of sense of community: A multilevel and longitudinal analysis, *Journal of Community Psychology*, Vol. 35, No. 5, p.p.563-581.
- Lu, M. (1999). Determinants of residential satisfaction: Ordered logit vs. regression models, *Growth and Change*; Vol. 30, No. 2, p.p. 264-277.
- Marans, R., & Rodgers, W. (1975). Toward an understanding of community satisfaction. In A. Hawley & V. Rock (Eds.), *Metropolitan American in contemporary perspective*, New York: Sage Publications.
- McCrea, R., Stimson, R., & Western, J. (2005). Testing a moderated model of satisfaction with urban living using data for Brisbane-South east Queensland, Australia, *Social Indicators Research*, Vol. 72, No. 2, p.p. 121-152.
- Mendoza, M.G. & Napoli, V. (1995). *System of society, Mami-dadc community colley*, six Edition.

identification, social cohesion and environmental sustainability, *Environment and Behavior*, Vol. 34 No. 1, p.p. 26-53.

- Wasserman, I. (1982). Size of place in relation to community attachment and satisfaction with community services, *Social Indicators Research*, Vol. 11, No.4, p.p. 421-436.
- Weidemann, S., Anderson, J.R.A. (1985). A Conceptual Framework for residential satisfaction. In: I. Altman and R. Werner Editors, *Home environments*, London: Plenum Press, p.p. 154-182.



۱۰۰

شماره هجدهم

بهار ۱۳۹۵

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
پس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل
رضا پارسائی